

ساختارشناسی مفهوم رضایتمندی مسکن با رویکرد فلسفه پدیدارشناسی (نمونه موردی: خانه قاجاری شیخ‌الاسلام و چند مجتمع مسکونی در زنجان)

چکیده

سکونتگاه انسان، همواره جایگاه و اهمیت ویژه‌ای در تأمین آسایش، آرامش و رضایتمندی وی داشته است. از این رو، «سرپناه» در اندیشه انسانی، دیرینه‌ای به درازای تاریخ زندگی گروهی و اجتماعی دارد. امروزه، شماری بر این باورند که در دوران مدرن، معماری بیشتر چشم و منظر بصری را در نظر می‌گیرد و به سایر ادراک حسی و بدن انسان کم توجه است. این پژوهش می‌کوشد، روند منطقی شناسایی و اولویت‌بندی عناصر تجربی چند حسی در ارتقای رضایتمندی مسکن را تدوین نماید. این کار پژوهشی براساس روش تحقیق آمیخته (کمی و کیفی)، همراه با استدلال منطقی انجام شده است. در بخش کیفی، روش مشاهده پدیدار شناسانه و مصاحبه، جهت شناسایی عوامل موثر بر مطلوبیت بکار رفته است. در روش کمی، از پرسشنامه برای گردآوری داده‌های جامعه آماری (ساکنان مجتمع‌های مسکونی زنجان) استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پیوند بین آگاهی مفهومی، ادراک چند حسی، این همانی با طبیعت و مطلوبیت سکونتگاه معنادار است. همچنین، مؤلفه‌های حسی موجود در خانه‌های بررسی شده، بر کیفیت محیطی آن و نیز بر مطلوبیت فضا و رضایتمندی ساکنان تاثیر دارند.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی و شناخت مطلوبیت مسکن و مفهوم رضایتمندی از آن، با رویکرد فلسفه پدیدارشناسی.
۲. تدوین و ارائه مدل مفهومی مطلوبیت سکونتگاه.

پرسش‌های پژوهش:

۱. آیا بین مؤلفه‌های حسی و معیارهای کیفیت یک مجموعه مسکونی رابطه معناداری وجود دارد؟
۲. آیا خانه فقط نیاز اولیه انسان را برآورده می‌کند یا اینکه مفهومی فراتر از آن است؟

واژه‌های کلیدی:

رضایتمندی مسکن، تجربه چند حسی، پدیدارشناسی معماری، مجتمع مسکونی، زنجان.

مقدمه

معماری اندیشه خلق یک بهشت زمینی است؛ بن‌مایه‌ای که خانه‌های ما را می‌سازد. در معماری اساسی‌ترین عامل مردم هستند، از این روی معنای هر اثر معماری بدین وابسته است که این اثر تا چه اندازه آسایش، آرامش و رضایت مردم را تأمین می‌کند و در پاسخ به نیازهای ایشان کارا است. ماهیت سکونت آن‌چنان در اندیشه انسان با اهمیت است که دیرینه آن به تاریخ فلسفه بشر می‌رسد. در دوران مدرن با توجه به ایده‌ها، نظرات و شرایط حاکم، واژه

سکونت دوباره به مفهوم سرپناه تقلیل پیدا کرد. طراحی معماری در دوران مدرن عموماً چشم و منظر بصری را مد نظر قرار می‌دهد؛ اما برای بدن و سایر ادراکات حسی مأوی وجود ندارد. سلطه چشم و سرکوب شدن سایر حواس، ما را به جدایی از محیط سوق می‌دهد. در فرایند ادراک محیط بخش زیادی از شناخت و تماس با دنیای خارج به وسیله اندام‌های حسی حاصل می‌شود. معماری انسان ساخت، یورش به حواس است. این پدیده در معماری ایرانی بخصوص با توجه به رویکرد مطالعه در ابنیه مسکونی دوره قاجار لمس می‌گردد. در خانه ایرانی احجام و فضاها دیده و لمس می‌شوند، بوها استشمام می‌شوند، صداها شنیده می‌شوند و به این ترتیب تجربه‌های حسی - عاطفی متنوعی شکل می‌گیرند. در تجربه جهانی نیز از اواسط قرن بیستم میلادی انتقادات بسیاری به آراء و عقاید متفکران معماری و شهرسازی مدرن و شیوه اجرایی آن‌ها وارد شد. منتقدان مدعی بودند که مدرنیسم مقولاتی مانند معنی، هویت و احساس تعلق را در نظر نگرفته است، بنابراین زمینه ظهور پدیدارشناسی و رویکرد آن به منظور ارائه مفاهیم و راه‌حلی‌هایی که این فقدان را جبران سازد فراهم شد (بریمانی، ۱۳۹۱: ۳۱). پدیدارشناسان معماری، از جمله نوربرگ-شولتز، فرامپتون و پالا سماراداری دغدغه‌هایی یکسان هستند. به زعم ایشان تأمین سکونت واقعی، به همراه ایجاد مطلوبیت و رضایت‌مندی، سهم بسزایی را در شکل‌گیری خاطره‌مندی، حس تعلق، هویت و در نهایت رفتار ساکنان بازی خواهد کرد. معماری که برای انسان، افزایش سطح کیفی زندگی و تأمین نیازهای ادراکی، حسی و شناختی را در پی داشته باشد. بخش مهم و تاثیرگذاری از این امر به حضور بدنمند و ادراک چند حسی انسان از مکان‌ها بازمی‌گردد. این پژوهش بنیادی - کاربردی، در صدد آن است که روندی منطقی به منظور شناسایی و اولویت‌بندی عناصر تجربه چند حسی در ارتقای رضایت‌مندی، تدوین نماید. چنین اولویت‌بندی امکان خواهد داد، تا مسیری را به منظور دستیابی به معیارهایی برای درگیری حواسی که نقش پررنگ‌تری دارند و در عین حال مغفول مانده‌اند پیمود.

بر این مبنا روش تحقیق در مقاله حاضر، ترکیبی از روش «استدلال منطقی» و «آمیخته کمی و کیفی» (نیازی، ۱۳۹۱) است. در بخش کیفی، مشاهده پدیدارشناسانه و مصاحبه، در شناسایی عوامل موثر بر مطلوبیت در نمونه ابنیه سنتی ایرانی به کار رفته است. مصاحبه با چهار نفر از اعضا هیئت علمی دانشگاه که مدرس طرح مسکن بوده‌اند در محل نمونه موردی، پیش از شروع فرایند تحلیل کمی پژوهش، به عنوان یک ابزار برای شناسایی متغیرها و روابط آنها و پیشنهاد سوالات به کار رفته است. مصاحبه‌های انجام گرفته به روش تفسیری مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. در بخش کمی، ابزار اصلی پژوهش اخذ پرسشنامه بوده است. در مقاله حاضر از انواع ابنیه، مسکن به دلیل اهمیت و جایگاه آن در هویت بخشی افراد و زمان و نحوه حضور تمامی سنین و جنسیت‌ها در آن به عنوان بستر پژوهش انتخاب شده است. خانه شیخ‌الاسلام زنجان با توجه به ثبت ملی، برای نمونه قاجاری مورد توجه قرار گرفته است. در میان گونه‌های مسکونی، مجتمع‌های مسکونی به علت این‌که متغیرهای مداخله‌گر مانند بو و صوت برای ساکنین یکسان بوده، در کنار فراوانی و امکان تسری نتایج و همچنین نزدیکی اجتماعی و اقتصادی افراد ساکن در آن‌ها، به عنوان نمونه موردی برای بررسی انتخاب شده‌اند. توزیع پرسشنامه در میان ساکنان بیش از یک سال انجام گرفته است تا تجربه حسی آنان، شتابزده و هیجانی نبوده و تجربیات فصول و شرایط مختلف را داشته باشند. پرسش‌شوندگان (جامعه آماری)، ساکنان

۱. Christian Norberg-Schulz, ۱۹۲۶-۲۰۰۰، از برجسته‌ترین چهره‌های پدیدارشناسی در معماری است که تأثیری ژرف بر بسط و گسترش این گفتمان داشته است.

۲. Paul Frampton، پدیدارشناس انگلیسی فیزیک ذره‌ای.

۳. Juhani Uolevi Pallasmaa، معمار و پدیدارشناس فنلاندی.

مجتمع‌های مسکونی شهر زنجان بوده‌اند. سه مجتمع مسکونی قائم (تصویر شماره ۱)، فجر و البرز با توجه به کفایت داده‌های آماری به عنوان نماینده‌ای از مجتمع‌های مسکونی به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای، مرحله‌ای انتخاب و توزیع پرسشنامه انجام گرفته است. داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS16 و Amos24 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. در پایان نظریه آزمایشی مدل مفهومی، بر اساس نمونه‌های موردی آورده شده است.

نتیجه‌گیری

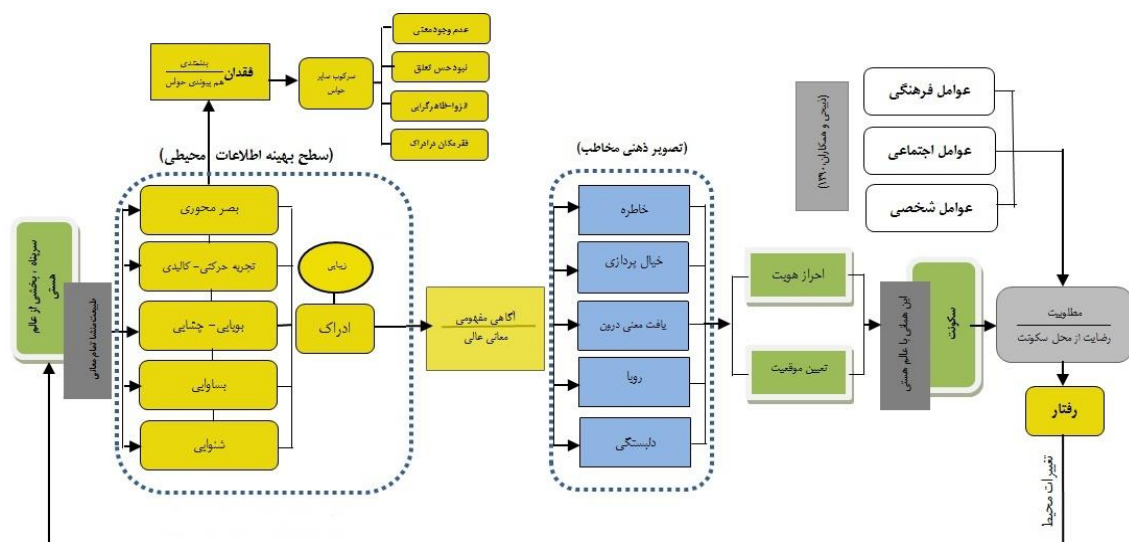
نتایج تحقیق حاکی از آنست که بین مؤلفه‌های حسی و معیارهای کیفیت یک مجموعه مسکونی رابطه معناداری وجود دارد. طراحی محیط به صورت چند حسی که ملزومات مورد نیاز برای ادراک همه حواس را فراهم می‌کند، به دلیل پاسخگویی به نیازهای تمامی اقسام، کیفیت همه شمولی را در محیط ایجاد می‌کند، علاوه بر این موجب ایجاد و تقویت سایر کیفیت‌های محیط نیز می‌گردد. مطالعه نشان داد، مؤلفه‌های حسی موجود چه در خانه قاجاری شیخ‌الاسلام و چه مجتمع‌های مسکونی جدید، در چگونگی کیفیت‌های محیطی آن نقش داشته و بر مطلوبیت فضا و رضایت ساکنان تاثیر دارند. اما نکته مهم و اساسی ترتیب و اولویت این مؤلفه‌های حسی است که نشان می‌دهد هرچند بنا به تجربه، ویژگی‌های بصری در انتخاب اولیه دارای اهمیت بالایی هستند به مرور زمان و افزایش زمان سکونت اهمیت اولیه خود را از دست می‌دهند و به تبع آن طراحان محیط‌های شهری و معماران باید این تقدم و تأخر را در لحاظ ویژگی‌های حسی محیط در مرحله طراحی نیز مد نظر قرار دهند. در جمع‌بندی دیدگاه‌های صاحب‌نظران و تحلیل‌های انجام شده بر روی مصاحبه‌های کیفی و پرسشنامه، می‌توان نتیجه گرفت که خانه امروز فراتر از تامین نیازهای اولیه انسانی، مفاهیمی بالاتر در محدوده فلسفه و روانشناسی محیطی دارد. جوهره خانه، مبتنی بر چهارچوب سکونت ساکنان آن است. مرلپونتی، پدیداری عالم را از طریق ادراک حسی و بدنمندی می‌بیند، باشلار مفهوم خانه را در حفاظت خیال می‌جوید، و شولتز معنی سکونت را در روح‌مکان و این‌همانی با طبیعت می‌شناسد. در این دیدگاه مسکن مطلوب مسکنی است، که در این همانی با جهان از رویا و تخیل انسان (باشلار) محافظت می‌کند، با هویت و معنا، حس مکان (شولتز) را ایجاد می‌کند و در این مسیر از حضوری مبتنی بر تن و ادراک حسی (مرلپونتی) بهره می‌گیرد (جدول شماره ۸).

پدیدارشناس	کلید واژگان پدیدارشناسی سکونت
موریس مرلپونتی	ادراک حسی، بدنمندی، آگاهی
گاستون باشلار	تصویر اولیه، خاطره و خیال، خانه
کرسستین نوربرگ شولتز	روح مکان، معنی درون، این‌همانی، سکونت

جدول شماره ۸. ارتباط نظرات و اندیشمندان پدیدارشناس.

چنانکه اشاره شد، مطلوبیت سکونتگاه مفهومی گسترده است که از شاخصه‌های مختلفی تاثیر می‌پذیرد، و خود بر موضوعات دیگری همچون رفتار، موثر واقع می‌شود. بخشی از این عوامل شامل ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و شخصی که (در مطالعات قبلی برر سی شده اند، با ذکر منبع) و در دیاگرام نهایی نمود یافته‌اند، در محدوده مطالعه حاضر نبوده‌اند. مسیر اصلی (بر اساس تایید مدل خروجی نرم افزار) شامل فرآیندی است که چگونگی تبدیل شدن یک کل (عالم هستی - طبیعت) را به جزئی که انسان در آن استقرار می‌یابد (سکونت و رضایت از آن) نمایش دهد. این مسیر شامل تاثیرات محیط، ادراک و ذهنی شدن عواملی است که منتج از تجربه چند حسی اولیه هستند. نظرات هر پدیدارشناس در بخشی که توفیق داشته است، متمایز گردیده است، سپس فصل مشترک اندیشه‌ها به عنوان نقطه قرابت و اتصال در یکپارچگی نمودار نقش ایفاء کرده‌اند. سرآغاز، برداشت تمامی حواس از عالم هستی است، نقطه پیوستگی در مطالعات مرلپونتی و باشلار. نمودار با بسط نظریات مرلپونتی نتیجه فقدان بدنمندی را که شامل عدم وجود معنی و نبود حس تعلق است ارائه می‌کند. در مرحله دوم ادراک محل اتصال کلیدی تفکرات نوربرگ شولتز و مرلپونتی است. مرلپونتی کلمه ادراک را حاصل برداشت حواس و شولتز آن را به معانی عالی (آگاهی مفهومی) همچون خاطره و تخیل توسعه می‌دهد. مرحله اصلی و پایانی برای طراحی نمودار، تعریفی است که گاستون باشلار از این همانی سکونتگاه با عالم هستی، به عنوان پیش‌نیاز آرامش و رضایت ذکر می‌کند. باتوجه به نتایج بحث و تایید نتایج در آزمون انجام شده در نهایت مدل مفهومی مطلوبیت سکونتگاه به شکل زیر ارائه می‌گردد (شکل شماره ۱۱).

شکل شماره (۱۰): مدل تجمیعی، مفهومی مطلوبیت سکونتگاه



فهرست منابع و مآخذ

- اخوت، هانیه؛ بمانیان، محمدرضا؛ انصاری، مجتبی. (۱۳۹۰). باز شناسی مفهوم معنوی «سکونت» در مسکن سنتی اقلیم کویری. مطالعات شهر ایرانی اسلامی. دوره دو، شماره پنج، ۱۰۲-۹۵.
- اکسنر، اولریخ؛ و پرسل، دتریش. (۲۰۰۷). مفاهیم پایه در طراحی فضا، (شادی عزیزی و صفورا اولنج، مترجمان). تهران: نشر فکر نو.
- ایروانی، محمود و محمدکریم خدایپناهی (۱۳۷۱)، روانشناسی احساس و ادراک، تهران: انتشارات سمت.
- با شلار، گاستون. (۱۳۹۱). بوطیقای فضا، (مریم کمالی و محمد شیربچه، مترجمان). تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- بریمانی، آلاله. (۱۳۹۱). سنجش مؤلفه‌های پدیدارشناسی برای ارزیابی حس مکان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین.
- بل، سایمون. (۱۳۸۲). منظرالگو، ادراک و فرآیند. (بهناز امین زاده، مترجم). تهران: دانشگاه تهران.
- بمانیان، محمدرضا؛ محمودی نژاد، هادی؛ پورجعفر، محمدرضا؛ انصاری، مجتبی؛ تقوایی، علی اکبر. (۱۳۸۷). پدیدارشناسی محیط شهری. نشریه محیط زیست، دوره دهم، شماره ۴، ۲۹۷-۲۸۲.
- پاکزاد، جهان‌شاه، بزرگ، حمیده (۱۳۹۱). الفبای روانشناسی محیط برای طراحان. تهران: آرمانشهر.
- پالاسما، یوهانی. (۱۳۹۳). چشمان پوست، معماری و ادراکات حسی. (رامین قدس، مترجم). تهران: پرهام نقش، گنج هنر.
- پرتوی، پروین. (۱۳۹۲). پدیدارشناسی مکان. موسسه متن: تهران.
- پنج‌تنی، منیره. (۱۳۹۴). فلسفه معماری؛ گفتگو با مهرداد قیومی بیدهدی. مجله اطلاعات حکمت و معرفت. شماره یکصد و دوازدهم، ۱۲-۵.
- حمزه نژاد، مهدی؛ دشتی، مینا. (۱۳۹۵). بررسی خانه‌های سنتی ایرانی از منظر پدیدارشناسان و سنت‌گرایان معنوی. نقش جهان - مطالعات نظری و فناوری‌های نوین معماری و شهرسازی. جلد ۶ شماره ۲ صفحات ۲۴-۳۵.
- چرمایف، سرچ؛ الکساندر، کریستوفر. (۱۳۷۱). عرصه‌های زندگی جمعی و خصوصی؛ به جانب یک معماری انسانی. (منوچهر مزینی، مترجم). تهران: دانشگاه تهران.
- ذبیحی، حسین؛ حبیب، فرح؛ رهبری‌منش، کمال. (۱۳۹۰). رابطه بین میزان رضایت از مجتمع‌های مسکونی و تأثیر مجتمع‌های مسکونی بر روابط انسان (مطالعه موردی چند مجتمع مسکونی در تهران). فصلنامه هویت شهر. سال پنجم، شماره هشتم، ۱۱۸-۱۰۳.
- سرم، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه. (۱۳۹۶). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگه.
- شولتز، کریستیان نوربری. (۱۳۸۴). مفهوم سکونت، به سوی معماری تمثیلی. (محمود امیری‌احمدی، مترجم). تهران: آگه.
- شیرازی، محمدرضا. (۱۳۹۱). معماری حواس و پدیدارشناسی ظریف یوهانی پالاسما. تهران: رخداد نو.
- طالب زاده، سید حمید. (۱۳۸۵). ادراک حسی در پدیدارشناسی مرلوپونتی. مجله فلسفه. دوره ۳۴، شماره ۱، ۷۲-۶۳.
- گروتز، روگ کورت (۱۳۸۸). زیبایی‌شناسی در معماری، (جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون مترجمان)، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

گلکار، کورش (۱۳۸۷). محیط بصری شهر؛ سیر تحول از رویکرد تزئینی تا رویکرد پایدار. مجله علوم محیطی. ۵(۴): ۹۵-۱۱۴.

لنگ، جان (۱۳۸۳)، آفرینش نظریه معماری، ترجمه علیرضا عینی‌فر، دانشگاه تهران، تهران.
معین، محمد. (۱۳۸۱). فرهنگ معین. تهران: ادنا: کتاب راه نو.

نوربرگ شولتز، کریستیان. (۱۳۹۳). وجود، فضا و معماری. (ویدا نوروزبرازجانی، مترجم). تهران: پرهام نقش.
نوربرگ شولتز، کریستیان. (۱۳۸۰). پدیده مکان. (نیر طهوری، مترجم). فصلنامه معمار. شماره سیزده، ۱۲-۴.
نیچه، فریدریش ویلهلم؛ هیدگر، مارتین؛ فوکو، میشل؛ گادامر، هانس گئورگ. (۱۳۹۳). هرمنوتیک مدرن؛ گزینه ساختارها. (بابک احمدی، مهراں مهاجر، محمد نبوی، مترجمان). تهران: نشر مرکز.
هال، استیون؛ پالاسما، یوهانی؛ پرزگومز، آلبرتو. (۱۳۹۴). پرسش‌های ادراک؛ پدیدار شناسی معماری. (مرتضی نیک فطرت، سیده صدیقه میرگذار، احسان بیطرف، مترجمان). تهران: فکر نو.

Aiello, Antonio; Ardone, Grazia, Rita; Scopelliti, Massimiliano. (2010). *Neighbourhood Planning Improvement: Physical Attributes, Cognitive and Affective Evaluation and Activities in Two Neighbourhoods in Rome*. Journal of Evaluation and Program Planning, 33, 264-275.

Bonaiuto, Marino; Fornara, Ferdinando; Bonnes, Mirilia. (2006). Perceived Residential Environment Quality In middle - And low - Extension Italian Cities. *Revue Européenne de Psychologie Appliquée, 56 / European Review of Applied Psychology, 56*. 23-34.

Hale, Jonatan A. (2000). *Building Ideas: An Introduction To Architectural Theory*. John Wiley & Sons, Chichester, England.

Hauge, Ashild, Lappegard. (2007). Identity and place: a critical comparison of three identity theories. *Architectural Science Review, 50*(1):44-51.

Mirzadeh, M. (2009). Statistical analysis with spss software. Tehran: Tayma.

Jay, M., (1994), "Downcast Eyes-The Denigration of Vision in Twentieth-Century French Thought", University of California Press (Berkeley and Los Angeles).

Joedicke, Jurgen. (1985), "Space and Form In Architecture". Stuttgart: Karl Kramer Verlag.

Johnson, A. (2009). "Visualization Techniques, Human Perception and The Built Environment, *Built Environment Research Papers, 2*(2): 93-103.

Moran, Dermot; Mooney, Timothy. (2002). *The Phenomenology Reader*. New York: Routledge.

Pallasmaa, J. (1992). *Identity, Intimacy and Domicile: Notes on the phenomenology of home*. Retrieved June 3, 2017. From

http://www.uiah.fi/studies/history2/e_ident.htm

Wohlwill, J. F. (1968). Amount of stimulus exploration and preference as differential functions of stimulus complexity. *Perception & Psychophysics, 4*(5), 307-312.